

## ای که مجموعه خوبی، به چه نامت خوانم؟

ضیاءالدین دسائی \*

ترجمه: پرویز تیری

آشنایی مستقیم من با استاد عابدی به زمانی برمی‌گردد، که من در جلد ۱۵ فصلنامه آیندو - ایرانیکا(ی) چاپ ۱۹۶۲ م که نشریه‌ای است متعلق به ایران سوساییتی کلکته، مقاله‌ای را از وی تحت عنوان «داستان پدماوت در ادبیات فارسی» خواندم، که ترجمه فارسی آن همان سال در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به چاپ رسیده بود. من در آن هنگام یکی از سردبیران فصلنامه آیندو - ایرانیکا بودم. ملاقاتهای من با استاد عابدی از سال ۱۹۸۳ م هنگام تصدی شغلی و در زمان بازنشستگی و سپس در جلسات کمیته‌های خرید آثار عتیقه و نسخه‌های خطی و دیگر اشیاء موزه ملی هند در دهلی‌نو، سخنرانی‌های ارائه شده برای دانشجویان دوره فوق دیپلم آثار و بناهای اسلامی، کتیبه‌شناسی فارسی و عربی و سکه‌های سلاطین هند در سازمان باستان‌شناسی هندوستان، کلاسهای بازآموزی زبان فارسی برای استادان زبان فارسی در هند - منعقد از سوی خانه فرهنگ ایران - و دیگر مناسبت‌ها و همایش‌ها و شهرهای مختلف از جمله پتنا آغاز شد و الحمدلله تاکنون نیز ادامه دارد. اما گفت‌وگوهای پرلطف، مفید و بی‌نهایت دلچسب من با وی به معنای واقعی کلمه، در شهر احمدآباد امکان‌پذیر شد، و آن هنگامی بود که وی برای شرکت در همایش‌های منعقد از سوی کتابخانه و مرکز پژوهشی درگاه حضرت پیر محمد شاه به احمدآباد تشریف‌فرما می‌شد. طبق معمول همیشه، عامل اصلی و بانی این همایش‌ها خود استاد عابدی بود. او مرتب به شخصیت‌های ساکن

---

♦ کتیبه‌شناس فقید هندوستان.

احمدآباد و بمبئی گوشزد می‌کرد، که آنها باید برای یادبود استاد سیّد غیب اشرف ندوی و استاد محمّد ابراهیم‌دار همایش‌هایی را برگزار کنند. اگرچه برگزاری این همایش‌ها عملی نشد، اما رفت و آمد وی به شهر احمدآباد آغاز شد. استاد عابدی با مهارت علمی و شیوه بیان خود، دکتر محمّد حبیب کالی‌والا رئیس (تولیت) درگاه حضرت پیرمحمّد شاه و استاد محی‌الدین بمبئی‌والا رئیس مرکز پژوهشی این درگاه را شیفته خود کرد، که اکنون هر یک - دو سال همایشی در مورد خدمات علمی، مذهبی، عرفانی و ادبی ایالت گجرات از سوی این درگاه در شهر احمدآباد برگزار می‌گردد و استاد عابدی نیز با علاقه‌مندی و شغف تمام در آن شرکت می‌کند. در این ایام این فرصت فراهم می‌شود تا من به مدت چهار تا پنج روز با استاد عابدی هم صحبت شوم و من در مورد وسعت مطالعه، مهارت علمی، قدرت بیان، فکر رسا، تواضع، فروتنی و بردباری، شوخ طبعی و بذله‌گویی و بیش از همه خون‌گرمی و بی‌تعارفی وی علم‌الیقین بیابم؛ اما این ملاقات باعث شد تا من این گنجینه علمی و اخلاقی را از نزدیک مشاهده کرده، و برایم عین‌الیقین شود. علاوه بر این، هم صحبتی با استاد مرا قادر ساخت تا درباره شخصیت‌های سرشناس خانواده‌های زمیندار، متمدن و نجیب‌زاده مناطق مختلف هند به‌ویژه سرزمین آوده که خود وی و خاندان محترمش نیز از آنجا هستند و دیگر شخصیت‌های معروف و مشهور و حتی ناشناخته، اطلاعاتی ارزشمند کسب کرده و از قصه‌ها و لطیفه‌گویی‌های شیرین وی محظوظ و مستفید شوم. استاد نذیر احمد در «عابدی‌نامه» این سخن را به‌درستی نوشته است، که اطلاعات ارزشمند موجود در حافظه استاد عابدی باید بر صفحه کاغذ درج گردد. بی‌تردید دانستنی‌های شفاهی وی سرمایه‌ای گرانبهاست، که مورخان بعدی می‌توانند به‌عنوان منبعی معتبر از آن بهره علمی ببرند. به‌نظر من شاگردان استاد در دهلی، به‌ویژه استادان گروه زبان فارسی دانشگاه دهلی باید سخنان ادبی، گفت‌وگوهای آگاهی‌بخش علمی، لطایف و دیگر حرف‌های استاد عابدی را در مجالس علمی و دیگر مناسبت‌ها ضبط کرده و به‌چاپ رسانند؛ و یا این‌که از وی بخواهند دانسته‌های خود را بر صفحه کاغذ بیاورد. اگر چنین کتابی تهیه شود، بدون شک گنجینه‌ای گرانبه‌ای برای ادب فارسی-اردو خواهد بود.

به‌هرحال صحبت‌های من با استاد عابدی در شهر احمدآباد آن‌قدر دلنشین بود، که بی‌اختیار این شعر فارسی بر زبانم جاری شد:

نالهِ از بهر رهایی نکنند مرغِ اسیر      خورد افسوس زمانی که گرفتار نبود

اطمینان دارم اگر نیازهای زندگی علمی من با وجود استاد عابدی (و استاد نذیر احمد، دیگر خورشید تابان آسمان علم و ادب) برطرف می‌شد، شاید تمام فاصلهٔ چهل سالهٔ سفر علمی و عقلی من در بیست سال پیموده می‌شد. علاقه‌ای که استاد عابدی به‌یافتن و مطالعهٔ نسخه‌های خطی داشته، و در این راه به‌اقصی نقاط هند سفر کرده و کتابخانه‌های مختلف را مورد بازدید قرار داده است، به‌ندرت در اشخاص دیگر دیده می‌شود. خداوند متعال نیز در این کار خیر، همیشه یار و همراه وی بوده و امکانات لازم را به‌راحتی برای وی فراهم کرده است. او در جلسات، همایش‌ها و کنگره‌های مختلف مربوط به گروه‌های فارسی‌دانشگاه‌های دور و نزدیک هند در شهرهای مدراس، حیدرآباد، بمبئی، بارودا، کلکته، پتنا و لکهنو و غیره شرکت کرده است. و در شهرهایی که برای اولین بار به‌آنها وارد می‌شد از کمترین فرصت موجود استفاده کرده و با عزیمت به‌سوی روستاها و شهرستان‌های اطراف آنجا، سعی در شناسایی و بازدید از کتابخانه‌های شخصی و نسخه‌های خطی موجود در آنها داشته است. در این راستا، وی از میزبانی، استادان و یا افرادی که شاگرد و یا مرید و ستایشگر وی هستند، بدون هیچ رودربایستی و تعارفی می‌خواهد که مقدمات سفر وی را به‌این روستاها و شهرستانها فراهم کنند.

در این مورد استاد عابدی فردی مصمم و ثابت قدم است. هنگامی که وی عزم سفر کند دیگر، دشواری راه و سختی سفر و مشکلات مختلف، مانعی برای سفر وی نخواهد بود. برای مثال، یک بار وی تصمیم گرفت، برای بازدید و بررسی گنجینهٔ نسخه‌های خطی خاندان خطیب سفری ایلچ‌پور مرکز حکومتی سلسلهٔ عمادشاهیان دکن، واقع در منطقهٔ امراتوی ایالت مهاراشترا داشته باشد، که به‌احتمال فراوان، در یک مقاله، مطالبی را در مورد آن خوانده بود. وی برای بازدید این کتابخانه بی‌صبر و قرار بود، لذا پس از شرکت در یک همایش سراسری در شهر کلکته، در شرق هند، به‌جای این‌که به‌شهر دهلی مراجعت کند، روانهٔ شهر ناگپور واقع در مرکز هند شد. شهری که تا ایلچ‌پور

با اتوبوس پنج ساعت فاصله داشت. وی پس از رسیدن به شهر ناگپور با یکی از استادان زبان فارسی که مقاله‌ای را در مورد نسخه‌های خطی ایلچ‌پور به چاپ رسانده و دریافت کننده نشان رئیس جمهور هند، در رشته زبان فارسی بود، ملاقات کرد و میهمان وی شد. استاد مذکور نیز به نحو احسن میزبانی استاد عابدی را به عهده گرفت. اما بازی روزگار را ببینید: استاد در آنجا با بدشمنی و مشکلی مواجه شد، فردی که قرار بود در روز موعود بر سر قرار حاضر شده و استاد را به کتابخانه خاندان خطیب ببرد، بر سر وعده حاضر نشد، و نیامد که نیامد. ماشاءالله این نوجوان هشتاد ساله هنوز هم آن قدر پرحوصله و توان است، که رنج و مشقت این‌گونه سفرها را با خنده‌رویی و خوش خلقی تحمل می‌کند.

استاد طی سفرهای متعدّد در گوشه و کنار این کشور، هزاران نسخه خطی را از نظر گذرانده، و بسیاری از نسخه‌های ارزشمند را مطالعه کرده است؛ که بعضی از آنها منحصر به فرد، و نایاب و مهم هستند. هرگاه که وی به نسخه‌ای ارزشمند دسترسی می‌یابد - که حتماً هم همین‌طور است - وی برحسب نوع نیاز، رونوشت آن را تهیه و یا بیشتر آن را رونویسی کرده، و فوراً به‌دهلی باز می‌گردد، و پس از انجام تحقیق و بررسی‌های لازم در مورد آن، مقاله‌ای نوشته و به چاپ می‌رساند. به‌راستی که این ضرب‌المثل: «عاقبت جوینده یابنده است» برازنده اوست. این کار در توان هرکسی نیست و الا نویسنده این مقاله نیز، در دوران فعالیت علمی و پژوهشی خود برای جمع‌آوری نسخه‌های خطی به اقصی نقاط هندوستان سفر کرده و نسخه‌های خطی کتابخانه‌های دولتی و شخصی بسیاری را از نظر گذرانده است. اما اگر نسخه‌ای خطی نیز به دستم رسیده و مطالبی از آن یادداشت کرده‌ام، هیچ‌گاه مؤفّق به نوشتن مقاله‌ای نشدم. این واقعیت دارد که:

این سعادت به زور بازو نیست تا بخشد خدای بخشنده

بدین‌گونه استاد عابدی، شاعران فارسی زبان بسیاری را از پرده گمنامی بیرون کشیده، و بر منظر عام آورد و کلام فارسی انتشار نیافته سخنوران معروف و صاحب نام بی‌شماری را به‌دنیای علمی شناساند (شرح مضامین استاد عابدی در صفحه ۱۳ الی ۳۳ «عابدی نامه» آمده است).

بیشتر آثار رونوشته‌های استاد عابدی از نظر تحقیق و دقت، بهترین نمونه ادبی و مملو از اطلاعات ارزنده است. در تأیید این ادعا می‌توان به یکی از مقالات بسیار عالی وی، به زبان انگلیسی اشاره کرد، که در آخرین شماره فصلنامه ایندو - ایرانیکا (ژانویه ۱۹۹۸م) با عنوان «بعضی ترجمه‌های فارسی پنج‌تاتره، کنهاسریت ساگر و دیگر آثار سانسکریت» به چاپ رسیده است، اشاره کرد.

استاد عابدی از رک‌گویی و صراحت بیان، دریغ ندارد. چنانچه وی در حین گفت‌وگو و بحث و یا در طول همایشی در مورد موضوعی نظر و یا مطلبی داشته باشد، فوراً به اظهار نظر می‌پردازد. اما شیوه بیان و طرز گفت‌وگوی او به گونه‌ای است، که فرد مخاطب از وی گله‌مند نمی‌شود. مسأله دیگری که در مورد فروتنی آقای عابدی باید بگویم، این که هر گاه شخصی از موضوع مقاله و یا سخنان وی انتقاد کند - چنانچه اعتراض و انتقاد منطقی و به‌جا باشد - او با گشاده‌رویی، اشتباه خود را پذیرفته و اصلاً ناراحت نمی‌شود. در صورتی که این صفت انتقادپذیری در افراد انگشت شماری وجود دارد. دیگر صفت پسندیده وی که کمتر کسی نعمت برخوردار از آن را دارد، مستندنویسی وی است. یعنی وی مانند آن دسته از افراد اهل قلمی نیست، که گاهی اوقات مطالبی را می‌نویسند که به‌دور از واقعیت بوده و قابل استناد نیست. او هرچه نوشته و تحقیق کرده، مستند است. چنانچه مطلبی را غلط نوشته باشد و کسی مورد نادرست را به‌وی نشان دهد، استاد به‌اشتباه خود اعتراف کرده و توجه و دقت نظر آن فرد را ستایش می‌کند.

استاد با روحیه همکاری خود به‌شاگردان، همدوره‌ها، افراد اهل علم و تحقیق و هرکس دیگری کمک کرده و یاری می‌رساند. او علاوه بر مقالات منتشره، حتی فتوکپی و رونوشت نسخه‌های خطی خود را در اختیار افراد نیازمند قرار می‌دهد، که باید گفت این روحیه همکاری نیز در کمتر کسی دیده می‌شود.

استاد عابدی مشورت دادن و راهنمایی کردن دیگران را از اولین وظایف خود می‌داند. در این مورد استاد نذیر احمد و مرحوم استاد سید حسن مثال‌های جالبی را در «عابدی‌نامه» نقل کرده‌اند. او در این مورد، هیچ وجه تمایزی را میان دوستان و نزدیکان و افراد آشنا و غریبه قائل نمی‌شود. استاد به‌بیماری دیابت مبتلا است. چای را تلخ و

بدون شکر می‌نوشد. اما در خوردن غذا، به‌خصوص در مراسمی که دعوت می‌شود - و تعداد آنها بسیار است - از چیزی پرهیز نمی‌کند و غذاهای لذیذ و شیرینی و غیره را با اشتهای فراوان میل می‌کند و پس از آن هم داروهای خود را یکی پس از دیگری می‌خورد.

در آخر اشاره به یکی دیگر از دستاوردهای استاد ضروری به‌نظر می‌رسد و آن این که او خود در «عابدی‌نامه» با عنوان «درباره خود» بدون فخر فروشی و با صداقت تمام، به‌صورتی گذرا نوشته و تصویر بسیار دلکش و زیبایی را از زندگی خود به‌ویژه زندگی علمی‌اش ارائه کرده است. او گفته است که با کمک شاگردان عزیزش، تاریخ ادب فارسی در هند را جمع‌آوری و تألیف کرده، که بخشی از آن به‌چاپ نیز رسیده است. استاد عابدی از ضرورت نگارش جدی «تاریخ کامل و مستند ادب فارسی در هند» نیز با راقم این مقاله، سخن رانده، که به‌اعتقاد من نیز، تهیه این اثر بسیار لازم است. البته شمس‌العلماء عبدالغنی درباره این موضوع دو کتاب و دکتر اقبال حسین کتاب حجیمی را با عنوان «اولین شاعران فارسی هند» به‌نگارش درآورده‌اند. البته دو کتاب نویسنده اول، در مقایسه با کتاب نویسنده دوم، از ارزش و اعتبار آن چنانی برخوردار نیستند.

تاکنون این خواسته استاد عابدی به‌طور کامل جامه عمل پوشانده نشده است. اگرچه شاگردان وی پایان‌نامه‌های دکتری خود را درباره زبان و ادب فارسی در عصر سلاطین ملوکیه، خلجی، تغلق، سادات، لودی‌ها و پادشاهان گورکانی نوشته‌اند؛ اما این پژوهش‌ها را نمی‌توان «تاریخ کامل و منظم ادب فارسی در هندوستان» دانست. اما به‌رحال این نیز از تلاش‌ها و دستاوردهای استاد است، که در مورد این موضوع، مطالب بسیار گردآوری شده است که بدون تردید پژوهشگران و تاریخ‌نویسان می‌توانند از این آثار به‌عنوان یک منبع علمی ارزشمند استفاده کنند. در صورتی که استاد عابدی بتواند با کمک مالی خانه فرهنگ دولت جمهوری اسلامی ایران در دهلی‌نو، پروژه‌ای برای ترتیب و تدوین این اثر تاریخی طرح‌ریزی کرده و با همکاری دانشوران و محققان ساکن در شمال، جنوب شرق و غرب هندوستان این اثر تاریخی را تهیه کند، آنگاه این اثر ارزشمند به‌مانند الماسی زیبا در زندگی علمی همیشه کامیاب استاد، خواهد درخشید.

غرض این که در مورد شخصیت چند بعدی و پروفار استاد عابدی اشاره به شعر ذیل، اجتناب ناپذیر می‌نماید:

دامانِ نگه تنگ و گل حُسن تو بسیار    گلچین بهار تو ز دامان گله دارد  
من به‌درگاه الهی دست به‌دعا برداشته، و از قادر مطلق مسئلت دارم، که عمری  
طولانی و سلامت و تندرستی و با نشاط به‌استاد عطا فرماید، آمین.